موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

حدیث 31 از مراجعه 48

در این مراجعه پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «أنا و هذا - يعني عليا - حجة على أمتي يوم القيامة»: من و این شخص (علی (ع)) در روز قیامت حجت بر امتم هستیم. مرحوم شرف الدین درباره این حدیث گفته است: این حدیث را خطیب بغدادی از انس مالک نقل کرده است[[1]](#footnote-1).

ذهبی در کتاب میزان الاعتدال این حدیث را از دو طریق و با دو سند از انس روایت کرده است. در یکی از آن دو سند چنین آمده است: «عن انس قال کنت عند النبی (ص) رای علیا مقبلا و قال یا انس هذا حجتی علی امتی یوم القیامه»[[2]](#footnote-2). در این روایت حجت بودن پیامبر (ص) مفروغ عنه است و حجت بودن امیرالمومنین (ع) در طول حجت بودن ایشان است. در نقل دیگر ذهبی این گونه آمده است: «عن انس کنت جالسا عند النبی (ص) اذا قبل علیّ فقال النبی (ص) یا انس من هذا؟ (پیامبر اکرم (ص) می دانند که چه کسی می آید، اما برای اینکه مطلب روشن تر شود سوال می فرماید) قلت هذا علی بن ابیطالب. و قال یا انس انا و هذا حجه الله علی خلقه».[[3]](#footnote-3)

بررسی سند حدیث

ذهبی پس از نقل حدیث اول گفته است «هذا باطل» و در مورد روایت دوم می گوید: متهم در این حدیث مطر بن ابی مطر است، او مجهول است و کسی که احتمال جعل نمودن حدیث را دارد همین شخص است، زیرا عبیدالله بن موسی که ناقل بعدی است، فردی ثقه و شیعی است و متهم نیست. گناه وی این است که این مطلب کذب را از وی نقل کرده است.

ابومریم اعظمی نیز بعد از نقل حدیث، آن را باطل و مجعول دانسته و کلام ذهبی را تکرار کرده است. منتها اضافه می کند که ابوعبدالله بخاری، ابوحاتم، نسائی و ساجی، مطر بن ابی مطر را منکر الحدیث دانسته اند. همچنین علاوه بر ذهبی که این حدیث را مجعول شمرده، سیوطی با اینکه اهل تساهل است در اللألی المصنوعه[[4]](#footnote-4) آن را مجعول دانسته است. ابن عراق کنانی در کتاب تنزیه الشریعه[[5]](#footnote-5) و ترکانی در الفوائد المجموعه[[6]](#footnote-6) نیز این حدیث را مجعول دانسته اند.[[7]](#footnote-7)

ابن حجر در تقریب التهذیب، نیز مطر بن ابن مطر را متروک دانسته است.[[8]](#footnote-8)

بررسی و نقد

از آنجا که مطر بن ابن مطر توسط تعداد زیادی از عالمان تضعیف شده است و توثیقی درباره وی نیامده است، روایت از نظر سند ضعیف خواهد بود. اما نکته مهم این است که افرادی مانند ذهبی و اعظمی و دیگرانی که حکم به مجعول بودن حدیث کرده اند، دلیل شان چیست؟ آنچه مقتضای یک بحث علمی مسند به علم حدیث شناسی است این است که بگویند حدیث ضعیف است، اما اینکه محتوای آن جعل شده است چه دلیل دارد؟ می دانید که ضعیف بودن سند یک حدیث، ملازم با کذب بودن آن نیست زیرا ممکن است طریق صحیح آن به ما نرسیده باشد. از آن طرف می دانیم که اگر روایتی سندش درست باشد اما متنش بر خلاف مطالب مسلم عقلی و دینی باشد، کذب خواهد بود. اکنون می گوییم آیا مضمون و محتوای این حدیث، بر خلاف مطالب مسلم در قرآن کریم یا در سند نبوی یا از نظر عقلی است؟ پاسخ منفی است. حجت بودن امیرالمومنین (ع) در این روایت در طول حجت بودن پیامبر (ص) بیان شده است و با هیچ اصلی نه تنها مخالف نیست بلکه موافق است. به این روایات دقت کنید:

1. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «علی مع الحق و الحق مع علی». لازمه این سخن همان حجت بودن امیرالمومنین (ع) است. این روایت بیان می کند که آن حضرت مقیاس تشخیص حق است.

2. آن حضرت در روایت دیگری فرمود: «علی مع القرآن و القرآن مع علی». ذهبی در مورد این حدیث خدشه ای نکرده است. اکنون مگر کتاب الله، حجت نیست، امیرالمومنین (ع) هم طبق این حدیث، قرآن ناطق و حجت خواهد بود.

3. پیامبر (ص) فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها». مفاد این حدیث این است که علم دین و تشخیص حق و باطل را از پیامبر (ص) باید فهمید و باب ایشان امیرالمومنین (ع) است. روشن است که لازمه آن حجت بودن ایشان است.

4. حدیث ثقلین نیز همین مطلب را بیان می کند.

اگر این روایات و روایات دیگر مانند آن را در نظر بگیریم، حجت بودن امیرالمومنین (ع) را بر امت به روشنی نشان می دهد. معیار و مقیاسی که برای مجعول بودن حدیث بیان شده این است که محتوای آن حدیث بر خلاف آموزه ای قرآن و سنت پیامبر (ص) و یا روایاتی که از طرق معتبر به ما رسیده و یا اصول عقلی باشد، در حالی که چنین مطلبی در مورد حدیث مورد نظر وجود ندارد.

انشاءالله در جلسه آینده به بررسی روایت بعد می پردازیم

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. تاریخ بغداد، ج2، ص 88 ؛ کنزالعمال، ج11، ص 620، ح 33013 ؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج42، ص 109 ؛ مناقب، ابن مغازلی، ص 45 [↑](#footnote-ref-1)
2. میزان الاعتدال، ذهبی، ج4، ص 127 [↑](#footnote-ref-2)
3. میزان الاعتدال، ذهبی، ج4، ص 128 [↑](#footnote-ref-3)
4. اللألی المصنوعه، ج1، ص 366 [↑](#footnote-ref-4)
5. تنزیه الشریعه، ابن عراق کنانی، ج1، ص 360 [↑](#footnote-ref-5)
6. الفوائد المجموعه، ترکانی، ص 373 [↑](#footnote-ref-6)
7. الحجج الدامغات، ابومریم اعظمی، ج1، ص 489- 490 [↑](#footnote-ref-7)
8. تقریب التهذیب، ج2، ص 587، ش 6974 [↑](#footnote-ref-8)